

## جان میلتنون و اخلاق زناشویی مسیحی<sup>۱</sup>

ارسطو میرانی<sup>۲</sup>

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، تهران، ایران

### چکیده

مسیحیت کاتولیک به پیروی از عهد جدید نگاهی دوگانه به رابطه زناشویی دارد. از یک سوی، پیوند زناشویی را به عنوان نمادی برای پیوند مسیح و کلیسا، گسست‌ناپذیر و از آیین‌های مقدس کلیسا می‌داند و از سوی دیگر اساس این پیوند را رابطه جنسی می‌شمرد و این رابطه را نیز تنها با نیت تولید مثل و بدون هرگونه انگیزه لذت‌خواهانه مشروع می‌داند. رهبران نهضت پروتستان منکر ارزش آیینی ازدواج بودند، اما به رابطه جنسی زناشویی نگرش مثبتی داشتند. جان میلتنون در بهشت گمشده به شدت از دیدگاه مسیحیت کاتولیک درباره رابطه زناشویی انتقاد می‌کند و با طرح این ایده که اساس رابطه زناشویی «عشق» به معنای علاقه عاطفی، هم‌فکری و همدلی است و نه رابطه جنسی، و تأکید بر کیفیت تعالی‌بخش عشق زناشویی، از دیدگاه رهبران نهضت اصلاح دینی نیز فراتر می‌رود.

### کلید واژه‌ها

مسیحیت، جان میلتنون، رابطه زناشویی، عشق، رابطه جنسی، گناه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۷

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده با عنوان *انسان و شیطان: بررسی تطبیقی بهشت گمشده و مثنوی معنوی* است که با راهنمایی دکتر فتح‌الله مجتبابی و مشاورت دکتر فاطمه لاجوردی پذیرفته شده است.

۲. پست الکترونیک: arastoomirani@gmail.com

### مقدمه

رابطه زناشویی به عنوان مبنای شکل‌گیری و تداوم خانواده که مهمترین واحد نظام اجتماعی است، و همچنین به‌عنوان راهی مقبول برای ارضاء برخی از حساس‌ترین نیازهای جسمی و روانی انسان از اهمیتی آشکار و انکارناپذیر برخوردار است. به همین دلیل همه ادیانی که مدعی ارائه برنامه‌ای برای سعادت بشر بوده‌اند، این رابطه را مورد توجه قرار داده‌اند و ارزش، حدود و ضوابطی برای آن در نظر گرفته‌اند. مسیحیت نیز از این حیث مستثنی نیست. عهد جدید، کلیسا و متألهان مسیحی به عنوان منابع مهم فرهنگ و اندیشه مسیحی، درباره رابطه زناشویی مطالب فراوان، متنوع و حتی متضادی را ذکر کرده‌اند.

جان میلتون در منظومه بهشت گمشده، که شرح زندگی انسان از آغاز تا انجام تاریخ به روایت مسیحیت است، به نگاه غالب مسیحیت غربی به زندگی زناشویی نگاهی انتقادی دارد و دیدگاهی در این باره مطرح می‌کند که در زمان خود نسبتاً بدیع است. در این مقاله ضمن بررسی اجمالی نگاه‌های متفاوت نسبت به این مقوله در تاریخ مسیحیت تا قرن هفدهم، نقد میلتون بر دیدگاه‌های پیشین و ایده‌های نوآورانه وی در زمان خود ارائه و تحلیل خواهد شد.

### عهد جدید

مسیحیت غربی از همان آغاز در زمینه ازدواج و رابطه زناشویی راه خود را از عهد عتیق و سنت یهودی جدا کرد و برخلاف آن عمل نمود. در عهد عتیق هیچ نگاه منفی‌ای نسبت به ازدواج مطرح نشده و حتی چند همسری نیز پذیرفته شده است.<sup>۱</sup> اما چنانکه خواهیم دید، سنت مسیحی اغلب تجرد را بر تأهل ترجیح می‌دهد و تک همسری را تنها مدل مقبول ازدواج می‌داند. اختلاف آشکار دیگر درباره طلاق است. در حالیکه عهد عتیق درباره طلاق هیچ سخت‌گیری‌ای ندارد<sup>۲</sup>، عیسی مسیح (ع) در اناجیل طلاق را جز در مورد زن زناکار

۱. نک: پیدایش، ۲۹، داستان یعقوب (ع) و زنانش.

۲. تثنیه، ۲۴: ۱-۲.

حرام می‌داند.<sup>۱</sup> بنابراین در این مقاله واکاوی دیدگاه مسیحیت دربارهٔ رابطهٔ زناشویی از عهد جدید آغاز می‌شود.

در اناجیل چند نکتهٔ مهم از عیسی (ع) دربارهٔ ازدواج نقل شده است. یکی اینکه گروهی از صدوقیان از ایشان می‌پرسند که زنی که در این دنیا براساس قوانین تورات به ترتیب با هفت برادر ازدواج کرده است، در قیامت کدام یک از آنها شوهر او خواهند بود. ایشان در پاسخ می‌فرماید «در قیامت نه نکاح می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند، بلکه مثل ملائکهٔ خدا در آسمان می‌باشند».<sup>۲</sup> روایت لوقا از پاسخ ایشان به این صورت است: «ابنای این عالم نکاح می‌کنند و نکاح کرده می‌شوند. لیکن آنانی که مستحق رسیدن به آن عالم و به قیامت از مردگان می‌شوند، نه نکاح می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند. زیرا ممکن نیست که دیگر بمیرند، از آن جهت که مثل فرشتگان و پسران خدا می‌باشند...».<sup>۳</sup> دوم اینکه، در انجیل متی آمده است که وقتی گروهی از شاگردان مسیح، در واکنش به منع طلاق از جانب ایشان، می‌گویند: «اگر حکم شوهر با زن چنین باشد، نکاح نکردن بهتر است!» ایشان می‌فرمایند «تمامی خلق این کلام را نمی‌پذیرند، مگر به کسانی که عطاء شده است، زیرا که خصی‌ها می‌باشند که از شکم مادر چنین متولد شدند و خصی‌ها هستند که از مردم خصی شده‌اند و خصی‌ها می‌باشند که به جهت ملکوت خدا خود را خصی نموده‌اند. آنکه توانایی قبول دارد بپذیرد».<sup>۴</sup>

اما شاید مهم‌تر از گفتار عیسی دربارهٔ ازدواج، رفتار او در این مورد باشد. به روایت اناجیل، گرچه عمر عیسی سال‌ها از سن متعارف ازدواج بیشتر بود، اما هرگز ازدواج نکرد. برداشت مسیحیان از این گفتار و کردار مسیح (ع) ترجیح تجرد بر تأهل بوده است. به همین دلیل در فرهنگ مسیحی خیلی زود تجرد بر تأهل ترجیح یافت و نخستین متکلمان مسیحی در ترجیح دادن تجرد بر ازدواج درنگ نکردند.<sup>۵</sup> با این همه باید به یاد داشت که مسیح (ع)

۱. متی، ۵: ۳۱-۳۲؛ مرقس، ۱۰: ۶-۱۲.

۲. متی ۲۲: ۲۳-۳۱؛ مرقس ۱۲: ۱۸-۳۷.

۳. لوقا، ۲۰: ۳۴-۳۶.

۴. متی، ۱۹: ۱-۱۲.

5. Sherrard, Philip, "The Sexual Relationship in Christian Thought", *Religion for A New Generation*, Jacob Needleman, A.K. Bierman and James A. Gould (eds), New York, Macmillan Publishing Co., 1977, p.307.

با استناد به این کلام خداوند که «...مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود»،<sup>۱</sup> قداست خاصی برای پیوند زناشویی قائل بود و آن را پیوندی الهی می‌دانست که انسان دیگر مجاز به گسستن آن نیست.<sup>۲</sup> به همین دلیل است که او به شدت با طلاق مخالفت می‌کرد.

با این همه، هر چند که مسیح بنیان‌گذار و شخصیت کانونی مسیحیت است، اما اخلاق جنسی مسیحی را باید بیشتر ملهم از آموزه‌های پولس دانست.<sup>۳</sup> عصاره دیدگاه پولس درباره ازدواج در نامه اول او به قرنتیان آمده است: «اما درباره آنچه به من نوشته بودید: مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند. لکن به سبب زنا، هر مرد زوجه خود را بدارد و هر زن شوهر خود را بدارد...<sup>۴</sup> لکن به مجردان و بیوه زنان می‌گویم که ایشان را نیکوست که مثل من بمانند. لکن اگر پرهیز ندارند نکاح بکنند، زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است.»<sup>۵</sup>

همان‌طور که می‌بینیم، پولس به صراحت تجرد را بر تأهل ترجیح می‌دهد و ازدواج را تنها برای دوری از زنا مفید می‌شمارد. برتراند راسل در این باره معتقد است که مسیحیت و به ویژه پولس نگاه کاملاً جدیدی به ازدواج را مطرح کرد. جوهر این نگاه این بود که نقش اصلی ازدواج جلوگیری از ارتکاب زنا است. پولس وقتی از ازدواج سخن می‌گوید، هیچ خیری جز بازدارندگی از زنا در آن نمی‌بیند.<sup>۶</sup>

وی در ادامه به صراحت دلیل خود برای برتری تجرد بر تأهل را ذکر می‌کند: «شخص مجرد در امور خداوند می‌اندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید؛ و صاحب زن در امور دنیا می‌اندیشد که چگونه زن خود را خوش بسازد... باکره در امور خداوند می‌اندیشد

۱. پیدایش، ۲: ۲۴.

۲. متی، ۱۹: ۵-۶.

3. Lawrence, Raymond J., *Sexual Liberation: The Scandal of Christendom*, London, Praeger Publishers, 2007, p.14.

۴. اول قرنتیان، ۱: ۷-۳.

۵. اول قرنتیان، ۸: ۷-۹.

6. Russell, Bertrand, *Marriage and Morals*, London, Routledge Classics, 2009, pp.21-22.

تا هم در تن و هم در روح مقدس باشد، اما منکوحه در امور دنیا می‌اندیشد تا شوهر خود را خوش سازد.<sup>۱</sup>

با این همه، او نیز با وجود ترجیح صریح مجرد بر تأهل، برای پیوند زناشویی قداست خاصی قائل است. او با تأکید بر وحدت گسست ناپذیر زن و شوهر، و تشبیه آن به وحدت روح و جسم<sup>۲</sup> و حتی بالاتر از آن وحدت شخص با نفس خود،<sup>۳</sup> رابطه این دو را نمادی برای رابطه کلیسا و مسیح می‌داند. بنابراین، از زن و شوهر می‌خواهد که حرمت این رابطه را نگاه دارند و با محبت و احترام به یکدیگر به آن تداوم بخشند.<sup>۴</sup>

بنابراین، در مجموعه عهد جدید، هم در کلام مسیح و هم در کلام پولس نگاه دوگانه‌ای درباره ازدواج وجود دارد. از یک سو مجرد بر تأهل ترجیح داده شده و تاهل مانعی بر مسیر معنویت تلقی شده است و از سوی دیگر، پیوند زناشویی مقدس به شمار آمده است. در تاریخ کلیسا، الهیات و رهبانیت مسیحی کاتولیک این دو نگاه همواره با هم در تضاد بوده‌اند و البته نگاه اول اغلب نگاه غالب بوده است.

### رهبانیت و الهیات مسیحی

در سه قرن نخست تاریخ مسیحیت هیچ تقریر خاصی از اخلاق جنسی مسیحی صورت نگرفت و هنوز هیچ مرجع مقتدری برای تصمیم‌گیری در این باره وجود نداشت.<sup>۵</sup> اما مجرد مجرد عیسی مسیح و بکارت مریم(س) در زمان تولد عیسی هاله‌ای از تقدس به مجرد بخشید، چندان که مسیحیان مجرد را وضعیتی شبیه وضعیت معصومانه آدمی در آغاز آفرینش و پیش از آلودگی به گناه می‌دیدند.<sup>۶</sup>

در این میان، رهبانیت نخستین نهادی بود که موضع خود را در قبال این موضوع روشن ساخت. جوامع رهبانی از همان آغاز اجتنابی وسواس‌گونه از جنس مخالف و

۱. اول قرن‌تین، ۷: ۳۲-۳۵.

۲. افسسیان، ۵: ۲۹.

۳. افسسیان، ۵: ۳۳.

۴. افسسیان، ۵: ۲۲-۳۳.

5. Lawrence, R. J., p.27.

6. Gold, Daniel, "Celibacy", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, vol.3, p.145.

جذابیت‌های آن داشتند. نگرش آباء صحرا به رابطه جنسی این‌گونه توصیف شده است: «معیارهای زهدگرایانه صحرا بسیار سرکوبگر بود، به گونه‌ای که دیدن یک موجود مؤنث، حتی یک مرغ، خطر معنوی بزرگی به‌شمار می‌آمد. وقتی پومن<sup>۱</sup> شنید که کشتی‌ای در نزدیکی اقامتگاه برادران پهلو گرفته و زنی از آن پیاده شده است، با حالتی جنگ‌جویانه و در حالی که برادران را به چماق مسلح کرده بود، به آنجا حمله کرد. ملوانان و آن زن نیز وحشت‌زده ساحل را ترک کردند. وقتی سبا<sup>۲</sup> پیر و یکی از مریدانش از کنار دختر زیبایی گذشتند، سبا گفت دختر یک چشم داشت. مرید نظر دیگری داشت. او دیده بود که دختر دو چشم دارد. این حقه سبا بود تا ببیند آیا مریدش به دختر نگاه کرده است. در نتیجه مرید طرد شد. به عنوان یک مرد جوان، ماکاریوس<sup>۳</sup> برای رضایت پدر و مادرش مجبور شد ازدواج کند. او با تظاهر به بیماری از بستر زفاف گریخت و اندکی بعد که همسرش از دنیا رفت، او خیلی راحت شد و خدا را شکر کرد.»<sup>۴</sup>

نخستین متکلمان مسیحی نیز تقریباً همین رویکرد را نسبت به ازدواج و رابطه جنسی داشتند. متکلمان متقدم در رابطه زن و شوهر چیزی جز نمود جنسی آن نمی‌دیدند و نسبت به آن نیز تا حد وسواس نگرشی خصمانه داشتند.<sup>۵</sup> در این زمینه، گرچه عقاید بنیادین‌شان، آنها را از تسلیم شدن به یک ثنویت تمام عیار در این مورد و نسبت دادن منشا رابطه جنسی به طور مستقیم به یک نیروی شر بازمی‌داشت، اما نگرش عملی آنها چیزی از نگرش ثنویت‌گرایان مانوی کم نداشت.<sup>۶</sup> از این نگاه رابطه جنسی پلید و ناپاک است. زناشویی - که در هر حال باید آن را ارفاق به کسانی دانست که توان تحمل مجرد را ندارند- شرم‌آور است و آنهایی را که به آن می‌پردازند آلوده می‌کند. رابطه جنسی اگر فی نفسه شر نباشد، امیال سرکش را بر می‌انگیزد و از این راه یکسره به گناه می‌انجامد. میل جنسی مدخلی است که نیروهای شر از طریق آن طبیعت انسان را تسخیر می‌کنند. در نتیجه، اولین قدم در

---

1. Poemen

2. Saba

3. Macarius

4. Culianu, Ioan Petru, "Sexual Rites in Europe" *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, vol.13, pp.186-187.

5. Sherrard, Ph., p.307.

6. Ibid.

هر گونه پیشرفت به سوی حیات معنوی، ممانعت از میل جنسی و فرارفتن از آن است. انسان تا زمانی که این قدم را بر ندارد، نمی‌تواند به درستی پا در مسیر معنویت بگذارد.<sup>۱</sup> این نکته که در روایت سفر پیدایش از گناه اولیه، ابتدا حوا از میوه ممنوعه می‌خورد و اوست که میوه را به آدم می‌دهد، باعث رواج دیدگاه بسیارمنفی‌ای نسبت به زنان، به عنوان عامل فریب و گناهکاری مردان شده است. همین نگاه می‌تواند دلیل مهم دیگری برای ترجیح مجرد و لزوم دوری از زنان بوده باشد. برای نمونه، ترتولیان خطاب به زنان می‌گوید: «ای جنس گناهکار، آیا نمی‌دانید که هر یک از شما یک حوا نیز هست؟ ... شما دروازه شیطان‌اید، شما درخت ممنوعه‌اید، شما نخستین تارک شریعت الهی هستید. شما همان کسی هستید که آن را که شیطان توان حمله به او را نداشت، فریفتید. چه راحت مرد را، صورت خدا را، تباه کردید، به خاطر مرگی که شما بر ما تحمیل کردید، حتی پسر خدا نیز باید بمیرد ...».<sup>۲</sup>

در میان متکلمان مسیحی این آگوستین بود که دیدگاه او درباره رابطه زناشویی در طی ۱۵ قرن بعدی تبدیل به الگوی حاکم بر تفکر مسیحی بو همچنان تأثیرگذار است.<sup>۳</sup> نکته مهم و قابل توجه درباره آگوستین، تجربه شخصی او و تأثیر آن بر دیدگاهش درباره میل جنسی بشر است. آگوستین پیش از گرویدن به مسیحیت چندین معشوقه و پسری نامشروع داشت. پس از آن هم میل و رفتار جنسی خود را مانعی مهم بر سر راه ایمان خود می‌دانست. اما تاریخ مسیحیت، اندیشه‌های آگوستین درباره زنان، میل جنسی و ازدواج را اندیشه آگوستین قدیس و متأله می‌شمارد، نه آگوستینی که پدر نادم یک پسر نامشروع و عاشق معشوقه‌های متعدد بوده است.<sup>۴</sup>

آگوستین به طور کلی با ازدواج مخالف بود. او در تفسیر این آیه از کتاب مقدس که «خداوند خدای خود را به همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبت نما»،<sup>۵</sup> می‌گوید:

1. Sherrard, Ph., p.301.
2. Maxy, Margaret N., "Beyond Adam and Eve", *Religion for a New Generation*, Jacob Needleman, A.K. Bierman and James A. Gould(eds), New York, Macmillan Publishing Co, 1977, p.265.
3. Farr, James R., "Sexuality" *The Oxford Encyclopedia of Reformation*, James J. Hillbrand(ed.), Oxford, Oxford University Press, 1996, p.50, Sherrard, Ph., p.309.
4. Maxy, M. N., p.266.

«پس شما باید همه افکار و همه زندگی و همه فهم خویش را معطوف به او کنید که از او همه این قوا را دریافت کرده‌اید. چون وقتی او می‌گوید "با همه قلب خویش و با همه روح خویش و با همه ذهن خویش"، او هیچ بخشی از زندگی شما را آزاد نگذاشته است تا جایی برای میل به برخورداری از چیز دیگری باشد»<sup>۱</sup>.

با این همه، علت اصلی مخالفت آگوستین با ازدواج، رابطه جنسی بود. به باور او ازدواج به خودی خود بد نیست، اما اعمال جسمانی‌ای که ازدواج فرصت انجام آنها را فراهم می‌کند و حتی آنها را تایید می‌کند، بدون رفتارهای حیوانی جسم امکان‌پذیر نیستند. این اعمال حتی در چارچوب ازدواج هم گناه آلود و شرم‌آوراند و ازدواج نمی‌تواند پلیدی ذاتی آنها را از میان ببرد.<sup>۲</sup>

کار مهم آگوستین در این مورد، آن بود که میان رابطه جنسی زناشویی با گناه اولیه پیوندی برقرار کرد. وی با توجه به فرمان خداوند به آدم و حوا پیش از ارتکاب به گناه، مبنی بر آن که «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید»<sup>۳</sup> می‌دانست که نمی‌توان به طور کلی منکر ازدواج شد. به موجب این حکم انسان‌ها مامور به تولید مثل اند و ازدواج تنها راه مناسب فراهم نمودن شرایط لازم برای اطاعت از این امر الهی است. بنابراین، وی بر این باور بود که آدم و حوا پیش از گناه و در عدن نیز معاشرت جنسی داشتند، اما این رابطه تحت تأثیر شهوت نبود. در بهشت تولید مثل بدون هر گونه آشفتنگی هیجانی انجام می‌شد. مشکل اینجاست که پس از هبوط این میل انسان را به سوی اختلال و آشفتنگی روح و شر سوق می‌دهد، زیرا از مهار عقل خارج شده و با لعنت مرگ همراه گشته است.<sup>۴</sup> به باور او، با گناه آدم و حوا، شهوت به وجود آنها راه یافت و مهار آلات تناسلی از دست آنها خارج شد. در نظریه او شهوت به معنای میل سیری‌ناپذیر و نامحدود به لذت است که در هر یک از غرایز انسان وجود دارد، اما در غریزه جنسی بسیار نیرومندتر است. به باور او پس از گناه میل جنسی آدم و حوا چنان قوت گرفت که نه تنها از حدت و دقت عقل کاست، بلکه اراده

1. Augustine, *On Christian Doctrine*, D.W., Robertson(trans.), New York, Macmillan, 1958, p.19.

2. Sherrard, Ph., p.309.

۳. پیدایش، ۲۸:۱.

4. Clark, Beverly, *Sex and Death: A Reappraisal of Human Mortality*, Cambridge, Polity Press, 2002, p.35.



را نیز ناتوان ساخت، به گونه‌ای که از آن پس انسان نه برانگیختگی جنسی خود، و نه ناتوانی خویش را نمی‌تواند مهار کند.<sup>۱</sup>

بنابراین آگوستین باور داشت که خداوند برای تضمین تداوم نسل بشر امیال جنسی را در وجود انسان قرار داد. اما انسان با شهوت خویش آن را تباه کرد، به گونه‌ای که هر گونه رابطه جنسی ذاتاً شر، گناه‌آلود و شرم‌آور است.<sup>۲</sup> او می‌گوید که پوشاندن آلات تناسلی از این روی ضرورت پیدا کرد که آنها نشانه‌های آشکار انحطاط و شرارت انسان، و مایه شرمساری او هستند.<sup>۳</sup>

به طور کلی آگوستین نظر خویش درباره زناشویی و رابطه جنسی را این‌گونه بیان می‌کند: «رابطه جنسی زناشویی به منظور تولید مثل اساساً گناه نیست. رابطه جنسی به منظور اطفای شهوت، به شرط آنکه با همسر خود باشد، به خاطر پاکدامنی خطایی بخشودنی است. اما زنا یا زنا محصنه<sup>۴</sup> گناهی مهلک است. بنابراین، پرهیز از هرگونه رابطه جنسی، حتی رابطه زناشویی به منظور تولید مثل بهتر است».<sup>۵</sup>

به عقیده برخی محققان، آگوستین در نظام معنوی‌ای که برای انسان ترسیم نمود، میل جنسی را منقاد عقل قرار داد، یعنی آنکه میل جنسی تنها باید تحت هدایت عقل ارضاء شود و تنها هدفی که عقل برای این میل قائل است، تولید مثل است. بنابراین، اگر زن و مردی با انگیزه برخوردار از لذت جنسی هم‌بستر شوند، دیگر این میل آنها تحت هدایت عقل نیست و به خدمت شهوت در آمده است.<sup>۶</sup> به باور آگوستین، بهترین کاری که زن و شوهر می‌توانند در این باره انجام دهند این است که به جای ارضاء شهوت، خود را مشغول ادای تکلیف نفرت‌انگیزی بدانند که برای به دنیا آوردن فرزندان اجتناب‌ناپذیر است.<sup>۷</sup> گذشته از

1. Maxy, M. N., p.267.

2. Ibid.

3. Sherrard, Ph., p.309.

4. fornication

5. adultery

6. Augustine, "The good of Marriage", David G. Hunter(trans.), *Theology and Sexuality: Classic and Contemporary Readings*, E. F. Rogers(ed.), London, Blackwell, 2002, p.76.

7. Lamberigts, Mathijs, "A Critical Evaluation of Critiques of Augustine's Views Views of Sexuality", *Augustine and His Critics*, R. Dodaro & G. Lawless(eds), London, Routledge, 2002, p.181.

8. Sherrard, Ph., p.309.

پلیدی خود رابطه جنسی، از طریق همین رابطه است که شر از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. نطفه هر کودکی با گناه پدر و مادرش منعقد می‌گردد و به همین دلیل است که هر کودکی از همان لحظه انعقاد نطفه‌اش بذر گناه و شرارت را با خود دارد.<sup>۱</sup>

پس از آگوستین، مهم‌ترین شخصیت در تاریخ تفکر کاتولیک توماس آکویناس است. آکویناس به اندازه آگوستین با لذت جنسی مخالف نبود و آن را در صورت همراهی با نیت تولید مثل مجاز و مشروع می‌دانست. البته بدون نیت تولید مثل آن را گناه می‌شمرد و به طور کلی رابطه جنسی را دون شان واقعی انسان می‌دید. او در کلیات الهیات خویش این جمله را از آگوستین نقل می‌کند: «هیچ چیزی به اندازه نوازش یک زن و آن تماس‌های جسمی که در رابطه زناشویی وجود دارد، عقل انسان را از اوج به حضيض نمی‌کشانند.» او بر این باور بود که در عدن بکارت زن از طریق رابطه جنسی از بین نرفت و این روابط بدون آمیزش جسمانی صورت می‌گرفت.<sup>۲</sup>

به این ترتیب آگوستین و به پیروی از او اکثر متکلمان قرون وسطی، از یک سو ازدواج را خوب و حتی دارای ارزش آیینی می‌دانستند و از سوی دیگر، رابطه جنسی را شر، مانع معنویت و مایه تداوم گناه در میان نسل‌های انسان‌ها به شمار می‌آوردند.

### کلیسای کاتولیک

کلیسا نیز با همان نگاه دوگانه عهد جدید به رابطه زناشویی مواجه بود و همین برخورد دوگانه با این مسأله را در پیش گرفت. به این معنا که از یک سو، ازدواج به عنوان یکی از شعائر مقدس کلیسا شناخته شد و از سوی دیگر، چون لذت جنسی مانعی بر مسیر کمال معنوی و دینی شمرده می‌شد، ازدواج روحانیون ممنوع گردید.

بدیهی است که کلیسا به عنوان نهادی اجتماعی نمی‌توانست با ازدواج مخالفت کند. بنابراین، آنچه را که مسیح و پولس درباره قداست ازدواج گفته بودند، دلیلی بر تأیید و حتی تقدیس آن در نظر گرفت. افزون بر این، روایت حضور مسیح در یک مراسم عروسی در قانا و آشکار شدن نخستین معجزه‌اش در آنجا<sup>۳</sup>، برای کلیسا نشانه تأیید ازدواج از سوی خداوند

1. Sherrard, Ph., p.310.

2. Lawrence, R. J., p.67.

۳. یوحنا، ۲: ۱-۱۰.

خداوند و حتی رحمت و برکت خاص او نسبت به این مراسم به شمار آمد. در نتیجه شواهدی وجود دارد که از قرن چهارم م به بعد اسقف‌ها آیین ازدواج را تبرک می‌کردند. البته بسیاری از مسیحیان هم‌چنان خارج از کلیسا و بر اساس قوانین عرفی و غیر دینی محل زندگی خود ازدواج می‌کردند<sup>۱</sup> و تا قرن یازدهم اجباری برای شرعی نمودن ازدواج وجود نداشت.<sup>۲</sup> از این زمان به بعد ازدواج در شمار یکی از شعائر مقدس و الزامی کلیسا درآمد.<sup>۳</sup>

با وجود تأیید و تقدیس ازدواج، کلیسا اساس زناشویی را رابطه جنسی می‌دانست، اما به پیروی از آگوستین، رابطه جنسی را تنها با انگیزه تولید مثل تأیید می‌کرد و با هر انگیزه لذت‌جویانه‌ای مخالف بود و آن را گناه می‌دانست،<sup>۴</sup> به گونه‌ای که در اواخر قرون وسطی کلیسا از کشیشان خواست تا در جلسات اعتراف به دقت رفتارهای جنسی مراجعان را بررسی و نظارت کنند. اعتراف‌نیوشان پیوسته از مراجعان می‌خواستند که به دقت درباره رفتارهای جنسی خود بیندیشند و به پرسش‌هایی از این دست پاسخ دهند: آیا همسر خود را از نظر جنسی تحریک می‌کنند؟ آیا در ایام مقدس از رابطه جنسی می‌پرهیزند؟ آیا صرفاً به قصد لذت با همسر خود معاشرت جنسی دارند؟<sup>۵</sup>

شخصیت مهمی که به نهادینه شدن اندیشه‌های آگوستین در کلیسا کمک کرد، گریگوری کبیر بود که از سال ۵۹۰ تا ۶۰۴ م بر مسندپایی نشست. گریگوری در مخالفت با لذت جنسی از آگوستین هم افراطی‌تر بود. او که از تعلیم یافتگان مکتب قدیس بندیکت بود، حتی رابطه جنسی زناشویی به قصد تولید مثل را، اگر با تجربه لذت همراه باشد، ننگین می‌دانست.<sup>۶</sup> گرچه شواهد نشان می‌دهند که حداقل از سده ۲ م بسیاری از روحانیون برجسته کلیسا تأهل را دون شأن روحانیت می‌دانستند،<sup>۷</sup> اما گریگوری مدافع قاطع و مشوق مجرد روحانیان بود. با این همه، او نتوانست آن را به صورت قانونی بر کل کلیسا تحمیل

1. Hellwig, Monika K., "Christian Sacraments", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, vol.12, p.506.

2. Idem, p.508.

3. Bowker, John (ed.), *The Oxford Dictionary of World Religions*, Oxford, Oxford University Press, 1997, p.831.

4. Russell, B., p.24.

5. Farr, James R., p.50.

6. Lawrence, R. J., p.48.

7. Wand, T.W.C., *A History of the Early Church*, London, Routledge, 1982, p.85. p.85.

کند، تا اینکه در اواسط سده ۱۱م اصلاحات گریگوری در کلیسا صورت گرفت. در نتیجه این اصلاحات، پاپ اداره کامل کلیسای غرب را در دست گرفت و هرگونه خودمختاری کلیساهای محلی را از آنها سلب نمود. قانون تجرد روحانیان در راستای همین افزایش قدرت و تسلط پاپ بود. با این قانون پاپ‌ها روحانیت را رهبانی کردند و در نتیجه، خانه کشیشان هر منطقه تبدیل به صومعه کوچکی شد که در آن همه اعضاء، بدون وابستگی‌های خانوادگی، از هر نظر به پاپ وابسته بودند.<sup>۱</sup>

به این ترتیب، از زمان آگوستین در سده ۴م، تا زمان اصلاحات گریگوری در سده ۱۱م مسیحیت به تدریج به صورت دینی به شدت مخالف میل جنسی درآمد، به گونه‌ای که «اجتناب از ارضاء جنسی اصل اخلاقی اساسی مسیحیت غربی شد».<sup>۲</sup> نکته جالب توجه آن که الزامی شدن تجرد کشیشان تقریباً با «آیینی شدن» مراسم ازدواج همزمان بود. به همین دلیل، راسل می‌پندارد که «آیینی شدن» ازدواج در کلیسای کاتولیک راهی برای جبران نگاه تحقیرآمیز این مذهب به ازدواج بوده است.<sup>۳</sup>

### نهضت اصلاح دینی

یکی از ابعاد جالب، اما نسبتاً مغفول نهضت اصلاح دینی، طرح نگرشی جدید نسبت به اهمیت دینی ازدواج و اهداف پسندیده رابطه جنسی زناشویی است. لوتر در نود و پنج اصلی که بر در کلیسای ویتنبرگ آویخت، هیچ اشاره‌ای به مسائل جنسی و ازدواج نکرد، اما از این نظر هم به شدت با کلیسای کاتولیک و حتی همه متألهان بزرگ مسیحی مخالف بود و درست برخلاف نظر آنها عمل کرد. جالب آنکه رفتار و پندار او در این باره بسیار بیش از آراء الهیاتی او برای مردم آن زمان ملموس و جالب توجه بود، چندان که به نظر برخی محققان، اگر چه عمل معامله با خدا با استفاده از آمرزش‌نامه‌های فروخته شده توسط کشیشان مهم‌ترین موضوعی بود که نهضت اصلاح دینی را برانگیخت، اما از چشم عوام، جالب‌ترین مسأله این نهضت انکار ارزش‌های جنسی کلیسای قرون وسطی بود.<sup>۴</sup>

1. Lawrence, R. J., p.48.

2. Ibid, 50

3. Russell, B., p.25.

4. Lawrence, R. J., p.74.

همه رهبران مهم پروتستان در سده ۱۶م، از جمله لوتر و کالون، کشیشان کاتولیکی بودند که در برابر این مذهب ایستادند و ازدواج کردند، اما این لوتر بود که نگرش مثبت به رابطه جنسی را در مذهب پروتستان آغاز نمود. لوتر مردی با علاقه‌ای پرشور به لذت‌های دنیا بود.<sup>۱</sup> او به طرفدارانش آموخت که اصول اخلاق جنسی قرون وسطایی مبنایی در متون مقدس ندارد و غیرانسانی است. او درباره پیوند رابطه جنسی با گناه اولیه، نظر آگوستین را می‌پذیرفت، اما به خوبی می‌دانست که تجرد کشیشان در طول تاریخ آنها را گرفتار گناه و یا دچار ملال و افسردگی کرده و موجب بدنامی و رسوایی کلیسا شده است. پس از آنجا که تنها افراد بسیار اندکی می‌توانند میل جنسی خود را کاملاً سرکوب کنند و آنها هم این قدرت را به صورت عطیه‌ای از جانب خداوند دریافت می‌کنند، بنابراین غیر از این افراد اندک، بهتر است که دیگران و از جمله کشیشان و راهبه‌ها، این میل را از طریق ازدواج ارضاء کنند.<sup>۲</sup> از سوی دیگر، لوتر منکر اهمیت آیینی ازدواج شد و آن را تنها عملی مدنی و اجتماعی دانست.<sup>۳</sup> او با توجه به ممنوعیت شرعی طلاق از نظر کلیسای کاتولیک، در رساله *سارت بابلی کلیسا* (۱۵۲۰م) بیان داشت که آیینی کردن ازدواج به جای آنکه آن را مجرای فیض الهی کند، از آن زندانی برای روح ساخته است.<sup>۴</sup>

لوتر خود به تصور ناپذیرترین شکل ازدواج در آن زمان دست زد. او با یک راهبه ازدواج کرد و از نظر دشمنانش این رسوایی بزرگی بود<sup>۵</sup> که بیش از پیش مرگ او را موجه می‌ساخت، زیرا در آن زمان، رابطه جنسی میان یک کشیش و یک راهبه زنا با محارم تلقی می‌شد و مجازات هر دو مرگ بود.<sup>۶</sup>

اختلاف نظر دیگر لوتر با کلیسای کاتولیک و متألهان مسیحی بر سر آن بود که او ازدواج را تنها برای تولید مثل نمی‌پسندید. وی در پاسخ به این پرسش که آیا درست است

1. Oberman, Heiko, *Luther: Man between God and the Devil*, Eileen Walliser-Schwarzbart (trans.), New Haven, Yale University Press, 1989, p.310.

2. Wiesner-Hanks, Merry, E., "Sexuality", *The Encyclopedia of Protestantism*, James J. Hillbrand(ed.), London, Routledge, 2009, vol.4, p.1720.

3. Marty, M. E., vol.12, p.33.

4. Safley, Thomas Max, "Marriage", *The Oxford Encyclopedia of Reformation*, James J. Hillbrand(ed.), Oxford, Oxford University Press, 1996, vol, 3, p.19.

5. Hillerbrand, Hans J., "Luther, Martin", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995, vol.9, p.59.

6. Lawrence, R. J., p.75.

که مرد جوانی با زن مسنی که دیگر امکان آبستنی ندارد، ازدواج کند، پاسخ داد که «بله حتما»<sup>۱</sup> البته خود او به قصد اجتناب از گناه و بدون علاقه خاصی به همسرش ازدواج کرد، اما ازدواجش بسیار نشاط‌آور و رضایت‌بخش بود.<sup>۲</sup> لوتر همواره به لذتی که از رابطه زناشویی می‌برد، اعتراف می‌کرد و در اواخر عمر خود می‌گفت که می‌میرد در حالی که این رابطه را دوست دارد و آن را می‌ستاید.<sup>۳</sup> او حتی با ازدواج مجدد و دو همسری نیز موافق بود و از این نظر مورد انتقادهای شدیدی قرار گرفت.<sup>۴</sup>

### جان میلتون

جان میلتون، سراینده بهشت گمشده، بزرگترین حماسه مذهبی به زبان انگلیسی، در اثر خود به رابطه زناشویی توجه خاصی نشان داده است. او پیش از سرودن بهشت گمشده، رساله منثوری نیز با عنوان *اصول و قواعد طلاق*<sup>۵</sup> (۱۶۴۳) منتشر نموده بود. میلتون در سراسر عمر خویش یک مسیحی معتقد ماند و همه عمر خویش را در دفاع از مسیحیت و تلاش سیاسی - اجتماعی برای تحقق یک زندگی ایده‌آل مسیحی در جامعه زمان خود سپری کرد. وی در خانواده‌ای پروتستان پیوریتن به دنیا آمد و رشد کرد، اما آثار او نشان می‌دهند که در میانسالی و در نتیجه مطالعات عمیقی که در زمینه کتاب مقدس، تاریخ و الهیات مسیحی داشت، به تفسیر خاص خویش از مسیحیت دست یافت، مسیحیتی که در رساله *لاتین اصول عقاید مسیحی و منظومه بهشت گمشده* تبیین شده و در مجموع نمی‌توان آن را به هیچ مذهب یا متاله دیگری نسبت داد. میلتون در بهشت گمشده و رساله طلاق نیز افکار و ایده‌هایی درباره زناشویی مطرح کرد و خود اصرار ورزید که این

1. Tappert, Theodore G. & Helmut T. Lehmann(eds), *Luther ' s Works: Table Talk*, Philadelphia, Fortress Press, 1967, vol. 54, p.397.

2. Rupp, E.G., "Luther and the German Reformation to 1529", *The New Cambridge Modern History*, vol.2, *The Reformation*, G.R. Elton(ed.), Cambridge, Cambridge University Press, 1958, p.90.

3. Brecht, Martine., *Martin Luther: Shaping and Defning the Reformation*, James L. Schaaf (trans.), Minneapolis, Fortress Press, 1990, p.198.

4. Oberman, H., p.287.

5. *The Doctrine and Discipline of Divorce*

اندیشه‌ها مبتنی بر کتاب مقدس، و سازگار با روح مسیحیت حقیقی است. او به صراحت به دیدگاه کلیسای کاتولیک در این باره تاخت و از دیدگاه اصلاح‌گرایان پروتستان فراتر رفت. نخستین نکته‌ای که درباره رابطه زناشویی ذهن خواننده بهشت گمشده را به خود جلب می‌کند، نگاه بسیار مثبت میلتنون به این رابطه و لذت‌های آن است. در واقع، او از این نظر پیرو لوتر است و حتی بر او پیشی می‌گیرد. زندگی او نیز گواه این مدعاست. وی سه بار ازدواج کرد، ولی ازدواج دوم و سوم او به دلیل مرگ همسر اول و دومش بود.

در روایت میلتنون، آدم در همان نخستین دیدار حوا برای اولین بار میل مفرط و غریبی را در وجود خویش احساس کرد و در وصف این حالت خویش گفت: «اما اینجا، به گونه‌ای دیگر دیدم، به گونه‌ای دیگر لمس کردم، اینجا برای نخستین بار میل مفرطی احساس کردم، آشوبی عجیب؛ من بر همه لذت‌های دیگر چیره بودم و تحت تأثیر آنها قرار نمی‌گرفتم، تنها اینجا بود که در برابر افسون یک نگاه نافذ زیبا خود را باختم»<sup>۱</sup>. بنابراین، آدم در نخستین شب زندگی حوا، با او به بستر زفاف رفت.<sup>۲</sup> در اینجا میلتنون با لحنی تند بر کسانی که نگاهی بدبینانه به رابطه جنسی زناشویی دارند، می‌تازد و آنها را اشخاصی دو رو و اهل تزویر می‌داند. او معتقد است کسانی که می‌پندارند معصومیت و پاکی بهشت به معنای فقدان رابطه جنسی مشروع بوده است، حلال خدا را حرام و ناپاک اعلام کرده‌اند. به نظر او خداوند ازدواج را بر برخی واجب، و برای همگان مجاز اعلام فرموده است. بنابراین می‌گوید که به گمان وی، نه آدم از همسر زیبای خود روی برتافت و نه حوا از آیین رازآمیز زناشویی دوری جست.<sup>۳</sup>

چنان که گفته شد، پیش از میلتنون بسیاری اندیشمندان مسیحی از جمله آگوستین و آکویناس چنین باور داشتند که آدم و حوا پیش از هبوط و در بهشت نیز باهم رابطه جنسی زناشویی داشتند. بنابراین، میلتنون از این نظر نکته جدیدی را مطرح نکرده است. تفاوت دیدگاه او با پیشینیانش در این است که آنها معتقد بودند که رابطه جنسی پیش از گناه اولیه تنها به منظور تولید مثل و عاری از لذت جسمانی بوده است، اما میلتنون به صراحت بر

۱. ۸: ۵۸۲-۵۳۳ (بخوانید کتاب هشتم سسرهای ۵۲۸ تا ۵۳۳).

۲. ۷۴۲-۷۳۶.

۳. ۷۴۷-۷۴۲.

زیبایی‌های جسمانی حوا و لذتی که آنها از این رابطه برده‌اند، تأکید می‌کند. رافائیل درباره حوا به آدم می‌گوید: «او به این زیبایی آراسته شده است تا لذت بیشتری نصیب تو کند، چنین با ابهت آفریده شده است تا تو با افتخار به همسر خود عشق بورزی...»<sup>۱</sup>

میلتون علاقه به لذت زناشویی را فطری، و موهبت الهی به انسان می‌داند. آدم حتی پیش از آفرینش حوا، به شدت به او احساس نیاز می‌کند. به باور میلتون، عشق خواست خداوند است و خداوند حوا را به گونه‌ای می‌آفریند که آدم عاشق او گردد. پیش از آفرینش حوا، خداوند به آدم که از تنهایی و بی‌همسری شکوه می‌کند، می‌گوید: «یقین داشته باش، آنچه که اکنون پدید خواهم آورد، محبوب تو خواهد بود، شبیه تو، یار شایسته تو، خود دیگر تو<sup>۲</sup>، آرزوی تو، عین آن چیزی که دلت مشتاق آن است»<sup>۳</sup>. بنابراین، خداوند در وجود حوا زیبایی‌هایی قرار می‌دهد که دل آدم را مجذوب خود می‌کند. حوا بسیار زیباست و زیبایی ظاهری او آدم را شیفته خود می‌کند.<sup>۴</sup>

زندگی آدم و حوا در بهشت سرشار از لذت و سعادت است. ایمان به خدا و عشق به یکدیگر دو احساس غالب در زندگی آنهاست. اما آنها بیش از هر چیز از رابطه با یکدیگر لذت می‌برند. لذت برخورداری از عشق زناشویی به حدی است که آدم به حوا می‌گوید که شاید هیچ یک از لذت‌هایی که ما می‌بریم، به اندازه عشق همسرانه ما حسادت شیطان را برنیانگیزد.<sup>۵</sup>

تفاوت مهم دیگری که دیدگاه میلتون درباره رابطه زناشویی با اندیشمندان مسیحی متقدم دارد، توجه به «عشق» است. کلیسا و اندیشمندان کاتولیک و همچنین رهبران نهضت اصلاح دینی اساس رابطه زناشویی را رابطه جنسی می‌دانستند و تفاوت دیدگاه آنها درباره ازدواج، در واقع ناشی از اختلاف نظر آنها درباره ارزش و اهمیت رابطه جنسی بود. عشق به معنای علاقه عاطفی، که نتیجه همفکری و همدلی زوجین است، در بحث‌های هیچ‌یک از این دو گروه مطرح نبود. تا زمان میلتون، پیشروترین متن معتبر درباره این موضوع ویرایش

۱. ۸: ۵۷۵-۵۷۸.

## 2. thy other self

۳. ۸: ۴۴۹-۴۵۱.

۴. ۵: ۱۲-۱۵.

۵. ۹: ۲۶۲-۲۶۳.



سال ۱۶۶۲ کتاب *دعای عام*<sup>۱</sup> کلیسای انگلستان بود.<sup>۲</sup> در بخش مربوط به ازدواج این کتاب که ۱۹ سال بعد از رساله *اصول و قواعد طلاق* میلتنون، و در زمان سرودن بهشت گمشده ویرایش و منتشر شده است، هیچ سخنی از عشق انسانی یا الهی به میان نیامده است.<sup>۳</sup> در این متن بازهم تولید مثل، اجتناب از زنا، به علاوه کمک به یکدیگر در برابر مشکلات زندگی به عنوان انگیزه‌های اصلی ازدواج معرفی شده‌اند.<sup>۴</sup>

بنابراین، فرهنگ مسیحی به گونه‌ای شگفت‌انگیز بعد عاطفی و تفاهم در رابطه زناشویی را نادیده گرفته بود. تأکید بر به دنیا آوردن و تربیت فرزندان به عنوان هدف اصلی ازدواج باعث شد که در سنت مسیحی رابطه جنسی که شرط لازم و کافی برای تولید مثل است، جدای از ابعاد دیگر رابطه زناشویی، به تنهایی اساس این رابطه تلقی شود. به گونه‌ای که هیچ توجه واقعی‌ای به کیفیت درونی خود رابطه زناشویی نمی‌شد. در واقع، سنت مسیحی هیچ توجهی به بعد عاطفی و یا صمیمیت میان زن و شوهر نداشت.<sup>۵</sup>

اما میلتنون در این باره به گونه‌ای کاملاً متفاوت می‌اندیشید. عشق، به معنی علاقه عاطفی زن و مرد، بسیار مورد توجه اوست. در روایت میلتنون، ماجرای عشق آدم و حوا از نخستین دیدار آغاز می‌شود. نخستین جمله‌ای که آدم در توصیف حوا می‌گوید این است: «شبهه انسان، اما با جنسی متفاوت، به حدی زیبا، که همه زیبایی جهان پیش او خوار می‌نمود یا در او خلاصه می‌شد، همه در وجود او و در نگاه او بود...»<sup>۶</sup> بنابراین آدم از همان نگاه اول، دل به زیبایی و جذابیت حوا سپرد و عشق در دلش متولد شد. او می‌گوید: «و از آن زمان احساس بسیار خوشایندی در دلم جاری گشت، که بیشتر آن را حس نکرده بودم، و از وجود او روح عشق و لذت عاشقانه در همه چیز سریان یافت».<sup>۷</sup>

در این جملات آنچه در دل آدم ایجاد عشق می‌کند، زیبایی ظاهری حواست. اما او وجه دیگری از جذابیت‌های معشوق برای عاشق را نیز از زبان آدم توصیف می‌کند. آدم، که

1. *The Book of Common Prayer*

2. Thatcher, Adrian, "Marriage", *The Encyclopedia of Protestantism*, James J. Hillbrand (ed.), London, Routledge, 2005, p.1161.

3. Ibid.

4. Ibid.

5. Sherrard, Ph., p.320.

۶. ۸: ۴۷۱-۴۷۴.

۷. ۸: ۴۷۴-۴۷۷.

نمونه عاشقی وفادار و فرهیخته است، می‌گوید: «نه ظاهر او با این همه زیبایی، نه رابطه‌ای که در میان همه جانوران مشترک است (هر چند بستر زناشویی بسیار والاتر است و من با احترامی راز آمیز به آن می‌نگرم)، به اندازه آن حرکات شیرینیش مرا مفتون نمی‌سازد، آن هزاران ظرافتی که هر روز از همه سخنان و اعمالش، آمیخته با عشق و نجابتی دل‌انگیز، از وجودش جاری می‌شود، زیبایی‌ای که از اعتماد راستین ذهن و وحدت روح ما دو نفر خیر می‌دهد، آن همنوایی که در دو همسر یافت می‌شود، دلنشین‌تر از الحان گوش‌نواز است».<sup>۱</sup>

بنابراین، میلتون پیوند زناشویی را از جسم فراتر می‌برد و چون باور دارد که ازدواج باید نیازهای روانی فرد را نیز ارضاء کند،<sup>۲</sup> هم‌فکری و هم‌نوایی روانی را حتی مهم‌تر از جذابیت جسمی می‌داند. از نظر میلتون، جذابیت معشوق محدود به زیبایی ظاهری او نیست و هرگز نباید زنی را تنها به خاطر زیبایی‌اش به همسری برگزید. او در رساله طلاق نیز می‌گوید: «چه کسی می‌داند که سکوت شرم‌آگین یک دوشیزه اغلب ممکن است همه کاهلی طبیعی و رخوتی را که واقعاً شایسته مصاحبت نیست، در خود پنهان کرده باشد...».<sup>۳</sup>

به طور کلی، میلتون ساحت روانی انسان را متشکل از دو بخش مهم عقل و هیجان می‌داند و بر برتری عقل بر هیجان تأکید فراوان دارد. هیجان دربردارنده امیال جسمانی و لذت‌های مادی نیز هست. به نظر او در رابطه عاشقانه انسان، هر دو وجه عقل و هیجان باید درگیر باشند و رابطه مناسب آنها، یعنی برتری عقل همچنان محفوظ باشد. همین رابطه متقابل عقل و هیجان است که کیفیت عشق یا هوس را به رابطه زن و مرد می‌دهد. در واقع همین ارتباط با عقل است که عشق را از هوس (احساس بدون تعقل) متمایز می‌کند. در حالیکه عشق در عقل منزل دارد و اندیشه را زلال می‌کند، هوس عقل را از تشخیص درست باز می‌دارد و اراده را مایل به منکر می‌کند.<sup>۴</sup>

بنابراین، از نظر میلتون میان زن و شوهر دو نوع رابطه می‌تواند وجود داشته باشد. اول رابطه جنسی، که نگاه بسیار مثبتی به آن دارد، اما می‌گوید که هر چند شاید رابطه جنسی

۱. ۸: ۵۹۵-۶۰۶.

2. Barker, Arthur E., *Milton and the Puritan Dilemma*, Toronto, Toronto University Press, 1947, p.98.

3. Quoted from: Bradford, Richard, *The Complete Critical Guide to John Milton, Milton*, London, Routledge, 2001, p.24.

۴. ۸: ۶۳۵-۶۳۷.

لذت بخش‌ترین کار برای انسان باشد، ولی نباید جذابیت و لذت رابطه زناشویی را به آن محدود کرد.<sup>۱</sup> دوم هم‌فکری و هم‌دلی، که لذت مصاحبت و هم‌دلی را نصیب زن و شوهر می‌کند. در نتیجه، او از زبان رافائیل به آدم توصیه می‌کند: «به همه آنچه که در معاشرت با او جذاب، انسانی و معقول می‌یابی همچنان عشق بورز، با عشق ورزیدن تو نیکی می‌کنی...»<sup>۲</sup>.

بنابراین، عقلانیت معیار سلامت عشق است. از نظر میلتنون، هرگاه علاقه زن و شوهر به یکدیگر بر مبنای عقل نباشد و از آنچه که حکم عقل است فاصله بگیرد، مشکل آغاز می‌شود و عشق جای خود را به هوس شرم‌آور می‌دهد. این میل ناپسند با زوال عقل شروع می‌شود، اما همین که پدید آید، خود مخرب‌ترین نیرو برای عقل است. به باور میلتنون، علت اصلی گناه آدم و حوا ضعف در عقلانیت بود. حوا در اصل از قوه عقلانی ضعیف‌تری برخوردار بود. به همین دلیل شیطان اول به سراغ او رفت و به راحتی او را فریب داد. اما مشکل آدم این بود که با وجود برخوردار بودن از قوه عقلانی برتر، در لحظه خوردن از میوه ممنوعه، هیجان و علاقه‌اش به حوا بر عقلش چیره شد و نتوانست عمل درست را تشخیص دهد.

توجه به این نکته لازم است که منظور میلتنون از این جملات هرگز این نیست که عشق فقط روحانی است و میل جسمانی با آن در تضاد است. بر خلاف این، او به صراحت عشق انسانی حقیقی را تنها در بستر زناشویی می‌بیند، اما آن را با خنده‌های خریداری شده روسپیان، و رابطه عاری از عشق و نشاط با آنها، یا معاشقه با سوگلی‌های دربار، یا لذت‌های ضیافت‌های شبانه قابل قیاس نمی‌داند. او عشق زناشویی را حتی برتر از سوز عشق عاشق محروم از وصال می‌داند<sup>۳</sup> و خطاب به آن می‌گوید: «به دور از من باد که تو را گناه بنویسم و شایسته شرم و سرزنش بدانم، یا تو را لایق مقدس‌ترین مکان نشمرم»<sup>۴</sup>.

۱. ۸: ۵۷۹-۵۸۵.

۲. ۸: ۵۸۶-۵۹۴.

۳. ۷۷۰-۷۵۰: ۴.

۴. ۷۵۸-۷۵۹: ۴.

سخن بدیع میلتون در رساله طلاق این است که ازدواج مستلزم رابطه ذهن‌هاست و احساس مشترک و دوسویه همدلی و علاقه روحی بسیار مهم‌تر از مسائلی چون تولید مثل و خیانت جنسی است. میلتون به دلیل نقش مهمی که برای هم‌فکری و هم‌دلی زن و شوهر قائل بود، اعتقاد داشت که تضاد شخصیتی یا فکری زن و شوهر با هم دلیل کافی برای طلاق است<sup>۱</sup> و چون زندگی زناشویی رضایت‌بخش برای سعادت انسان ضروری است، باید به زن و شوهری که به ناسازگاری یا یکدیگر پی‌برده‌اند، فرصت داد که به رابطه آزردهنده خویش پایان دهند و بتوانند به زندگی زناشویی بهتری دست یابند.<sup>۲</sup> گواه بارز تازگی دیدگاه میلتون، مخالفت شدید همه گروه‌های فکری- عقیدتی معاصر با انتشار این اثر با آن است. در نتیجه این مخالفت‌ها میلتون در دسامبر ۱۶۴۴م برای دفاع از خود به مجلس اعیان انگلستان احضار شد.<sup>۳</sup>

بنابراین، از دیدگاه میلتون عشق زناشویی در عین جنسی بودن، مبتنی بر خرد، وفاداری، روابط صمیمانه، عادلانه و پاک است و همه خصصت‌های نیک پدر- فرزندی و برادرانه، با پیدایش این عشق در آدمیان شناخته شدند. افزون بر این، عشق زناشویی سرچشمه همه لذت‌های زندگی خانوادگی است و تنها بستری است که آلوده گناه نیست و نبوده است.<sup>۴</sup>

نکته مهم دیگری که میلتون در زمینه عشق زناشویی به آن اشاره می‌کند، خاصیت تعالی بخش آن است. ایده‌ای که میلتون با علاقه وافری که به فلسفه یونان داشت، باید آن را از رساله «ضیافت» افلاطون اقتباس کرده باشد. افلاطون عشق را طریق یا فرایندی چندمرحله‌ای می‌داند که به تدریج در وجود عاشق شکل می‌گیرد. عشق با علاقه به زیبایی جسمانی آغاز می‌شود و به ادراک و علاقه به زیبایی‌های معنوی ارتقاء می‌یابد. در مرحله بعد، او یگانگی همه این زیبایی‌ها را درک می‌کند و از زیبایی اخلاقیات به زیبایی علوم و

1. Barker, A.E., p.67, 73.

2. Joseph, T., & S. Feansis, *Encyclopedia of World Great Poets*, vol.2, *John Milton*, New Delhi, Anmol Publication, 2004, pp.32-33.

3. Bradford, R., p.24.

معرفت و اقیانوس زیبایی کامل نائل می‌شود.<sup>۱</sup> افلاطون، از زبان دیوتیما، مرشد سقراط می‌گوید:

«کسی که تا این اندازه در شناخت رازهای عشق هدایت یافته و افکار و اندیشه‌هایش را به ترتیب درست و بسامان متوجه نمونه‌های زیبایی کرده است، ناگاه با نزدیک شدن به غایت سلوک خویش در عرصه شهود، زیبایی‌ای بر او آشکار می‌شود که سرشتی حقیقتاً شگفت‌انگیز دارد و اینجا، سقراط، سرمنزل مقصود همه کوشش‌ها و تلاش‌های پیشین اوست. این زیبایی در وهله نخست، سرمدی است؛ نه آغازی دارد، نه انجام می‌پذیرد، نه رو به کمال دارد و نه رو به زوال... یک زیبایی مطلق و قائم به ذات، یگانه و سرمدی که سایر زیبایی‌ها از آن مایه می‌گیرند و به وجود می‌آیند و از بین می‌روند، اما به گونه‌ای دیگر که خود آن نه فزونی می‌گیرد و نه می‌کاهد و تغییر و تبدیلی می‌پذیرد.»<sup>۲</sup>

به این ترتیب می‌بینیم که افلاطون عشق را راهنمای انسان به سوی زیبایی و خیر مطلق می‌داند و با رسیدن به این مطلوب حقیقی است که انسان به سعادت حقیقی که هدف غایی حیات بشری است، دست می‌یابد. اما عشق با زیبایی جسمی شروع می‌شود و به تدریج تعالی می‌یابد، تا به زیبایی مطلق برسد.

در سنت مسیحی میان دو مفهوم از عشق تمایز ایجاد شد: ۱. آگاهیه یا عشق ایثارگرانه که به شفقت خداوند نسبت به انسان، و محبت انسان نسبت به دیگران دلالت دارد. تجسد مسیح به منظور رهایی انسان از بار گناه و پرداخت کفاره گناهان او نمونه‌ای اعلائی آگاهیه است.<sup>۳</sup> ۲. اروس یا میل پرشور به وصال محبوب یا دستیابی به امر مطلوب. عشق زناشویی مصداق بارز اروس است. در مقابل ایثارگری آگاهیه، اروس همواره خودخواهانه تلقی می‌شود<sup>۴</sup> و در تاریخ الهیات مسیحی تلاش مستمری در جریان بود تا «عشق مسیحی» را منحصر به آگاهیه کند. حتی لوتر که آن همه برای ازدواج ارزش قائل بود، از «عشق

1. Bradford, R., pp.92-93.

2. Idem, pp.93-94.

3. Constantelos, Demetrios J. "Charity", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, vol.4, 1995, p.224.

4. Runzo, Joseph, *Global Philosophy of Religion*, Oxford, Oneworld Publication, 2001, pp.222-224.

زناشویی» چیزی نگفت و میان عشق انسانی و عشق مسیحی تمایز قائل شد تا خلوص و تعالی عشق مسیحی را حفظ کند.<sup>۱</sup>

به باور برخی محققان، در سنت مسیحی از یک سو عشق به معنای میل جنسی در تضاد با روح تعالی بخش دین تصور شد و از این رو، باید به عنوان امری ناپسند و حتی گناه‌آلود که در رابطه انسان با خدا اخلاص ایجاد می‌کند، حذف می‌شد. از سوی دیگر، عشق به معنای آگاهانه، از مؤلفه‌های ضروری رابطه خداوند و مؤمن تصور می‌شد و بنابراین موضوع مهمی برای تأملات الهیاتی به شمار می‌آمد.<sup>۲</sup> از این رو، تداوم مسیری که در نظریه افلاطون میان عشق جسمانی و عشق روحانی یا معنوی مطرح شده است، در مسیحیت وجود ندارد.

میلتون از این نظر نیز دیدگاهی متفاوت با اسلاف مسیحی خویش دارد. به باور او، از آنجا که خداوند حکیم و خیرخواه انسان است، هیچ چیزی به انسان نمی‌دهد مگر آنکه حکمت و خیری برای او داشته باشد. بنابراین، عشق انسانی نیز که به اجازه و تدبیر او در روح انسان ایجاد می‌شود، باید تأثیراتی ارزشمند بر زندگی او بگذارد. میلتون از تأثیرات سودمند عشق در جای‌جای بهشت گمشده یاد می‌کند. او اعتقاد دارد که عشق از اهداف والای زندگی انسان است<sup>۳</sup> و بی عشق، سعادت میسر نیست.<sup>۴</sup> به نظر میلتون، حتی ادراک زیبایی که مقدمه عشق است، بر احساسات ناپسند تأثیر می‌گذارد و آنها را تلطیف می‌کند.<sup>۵</sup> از دیدگاه وی، گفت‌وگوی عاشق و معشوق «غذای روح» است<sup>۶</sup> و نگاه معشوق همه فضیلت‌ها را در وجود عاشق تقویت می‌کند. در این حالت، عاشق عاقل‌تر، هشیارتر، و اگر نیازی به قدرت جسمانی وجود داشته باشد، قوی‌تر می‌شود. در عین حال، شرم از مغلوب شدن یا فریب خوردن پیش چشم معشوق، نهایت نیرو را در وجود عاشق برمی‌انگیزد.<sup>۷</sup> به

1. Jeanrond, Werner G., *A Theology of Love*, London, T. & T. Clark, 2010, p.106.

2. Jeanrond, W.G., p.16.

۳. ۲۴۱:۹.

۴. ۲۶۱:۸.

۵. ۴۵۸:۹.

۶. ۲۳۷-۲۳۸:۹.

۷. ۳۰۹-۳۱۴:۹.

خاطر همین فضائل است که «عشق به ملکوت رهنمون است، هم راه است و هم راهبر»<sup>۱</sup>. رافائیل به آدم می‌گوید: «عشق اندیشه را زلال می‌کند و دل را وسعت می‌بخشد، عشق در عقل منزل دارد و با درایت است، عشق نردبانی است که تو با آن تا عشق آسمانی عروج می‌کنی! ...»<sup>۲</sup>.

بر اساس آنچه که گفته شد، به نظر می‌رسد که میلتنون به این جدایی عشق انسانی از کمال روحانی پایان داد و مانند افلاطون عشق انسانی حقیقی را مقدمه و زمینه‌ساز کمال‌یابی روحانی دانست. با این تفاوت که عشق مورد نظر افلاطون عشق زناشویی نیست، ولی میلتنون عشق انسانی را منحصر به عشق زناشویی می‌داند.

### نتیجه‌گیری

در مجموعه عهدجدید نگاه دوگانه‌ای درباره ازدواج وجود دارد: از یک سو تجرد بر تأهل ترجیح داده می‌شود و تأهل مانعی بر مسیر معنویت به‌شمار می‌آید و از سوی دیگر، پیوند زناشویی مقدس تصور می‌شود. رهبانیت مسیحی همواره اجتنابی و سواس گونه از جنس مخالف و جذابیت‌های آن داشت. متکلمان مسیحی متقدم، به ویژه آگوستین رابطه زناشویی را در رابطه جنسی خلاصه می‌کردند و نسبت به این نیز تا حد سواس نگرشی خصمانه داشتند. آنها ضمن ترجیح تأهل بر تجرد، تنها هدف مشروع رابطه جنسی زناشویی را تولید مثل به‌شمار می‌آوردند و هرگونه لذت‌خواهی از این رابطه را گناه می‌دانستند. کلیسای کاتولیک به‌رغم اعتقاد به تبرک و تقدیس ازدواج، همین نگاه را به رابطه زناشویی داشت و در نتیجه قانون تجرد کشیشان را تصویب کرد.

رهبران نهضت اصلاح دینی ضمن انکار ارزش آیینی ازدواج، همچنان زناشویی را محدود به رابطه جنسی زن و شوهر می‌دانستند، اما نسبت به این رابطه نگرش مثبت داشتند و با لذت ناشی از آن مخالف نبودند. مذهب پروتستان ازدواج کشیشان را نیز مشروع دانست.

۱. ۶۱۲-۶۱۳.

۲. ۵۸۶-۵۹۴.

جان میلتون دیدگاه کاتولیک درباره ازدواج را خرافی و ریاکارانه می‌دانست و ضمن اینکه برای رابطه جنسی زناشویی و لذت حاصل از آن مشروعیت و ارزش قائل شد، «عشق» به معنای علاقه عاطفی، هم‌فکری و هم‌دلی را اساس رابطه زناشویی شمرد. افزون بر این، او کیفیت تعالی بخش عشق انسانی را آن گونه که افلاطون مطرح نموده است و در سنت مسیحی مغفول مانده بود، دوباره مطرح نمود و معتقد بود که عشق موجب زلالی اندیشه و روح انسان، تقویت فضائل وجود او، و در نهایت هدایت او به ملکوت آسمان می‌شود.

### منابع

- کتاب مقدس.

- Augustin, "The Good of Marriage", David G., Hunter(trans.), *Theology and Sexuality: Classic and Contemporary Readings*, E. F. Rogers(ed.), London, Blackwell, 2002.
- Augustine, *On Christian Doctrine*, D.W., Robertson(trans.), New York, Macmillan, 1958.
- Barker, Arthur E., *Milton and the Puritan Dilemma*, Toronto, Toronto University Press, 1947.
- Bowker, John (ed), *The Oxford Dictionary of World Religions*, Oxford, Oxford University Press, 1997.
- Bradford, Richard, *The Complete Critical Guide to John Milton*, London, Routledge, 2001.
- Breach, Martin, *Martin Luther, Shaping and Defining the Reformation*, James L. Schaaf(trans.), Minneapolis, Fortress Press, 1990.
- Clarck, Beverly, *Sex and Death: A Reappraisal of Human Mortality*, Cambridge, Polity Press, 2002.
- Constantelos, Demetrios, J. "Charity", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Culianu, Ioan Petru, "Sexual Rites in Europe", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Farr, James R., "Sexuality", *The Oxford Encyclopedia of Reformation*, James J. Hillbrand (ed.), Oxford, Oxford University Press, 1996.
- Gold, Daniel, "Celibacy", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Hellwig, Monika K., "Christian Sacraments", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Hillerbrand, Hans J., "Luther, Martin", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Jeanrond, Werner G., *A Theology of Love*, London, T&T Clark, 2010.



- Joseph, T., & S. Feansis, *Encyclopedia of World Great Poets*, vol.2, *John Milton*, New Delhi, Anmol Publication, 2004.
- Lamberigts, Mathijs, "A Critical Evaluation of Critiques of Augustine's Views of Sexuality", *Augustine and His Critics*, Robert Dodaro & George Lawless(eds), London, Routledge, 2002.
- Lawrence, Raymond J., *Sexual Liberation: The Scandal of Christendom*, London, Praeger Publishers, 2007.
- Marty, Martin E., "Protestantism", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan Publishing Company, 1995.
- Maxy, Margaret N., "Beyond Adam and Eve", *Religion for A New Generation*, Jacob Needleman, A.K. Bierman and James A. Gould (eds), New York, Macmillan Publishing Co., 1977.
- Milton, John, *The Complete Poetry of John Milton*, John T. Shawcross (ed.), New York, Doubleday, 1971.
- Oberman, Heiko, *Luther: Man between God and the Devil*, Eileen Walliser-Schwarzbart (trans.), New Haven, Yale University Press, 1989.
- Runzo, Joseph, *Global Philosophy of Religion*, Oxford, One World Publication, 2001.
- Rupp, E.G., "Luther and the German Reformation up to 1529", *The new Cambridge Modern History*, vol.2, *The Reformation*, G.R. Elton(ed.), Cambridge, Cambridge University Press, 1958.
- Russell, Bertrand, *Marriage and Morals*, London, Routledge Classics, 2009.
- Safley, Thomas Max, "Marriage", *The Oxford Encyclopedia of Reformation*, James J. Hillbrand (ed.), Oxford, Oxford University Press, 1996.
- Sherrard, Philip, "The sexual Relationship in Christian Thought", *Religion for A New Generation*, Jacob Needleman, A.K. Bierman and James A. Gould(eds.), New York, Macmillan Publishing Co, 1977.
- Tappert, Theodore G. & Helmut T. Lehman, *Luther's Works: Table Talk*, Philadelphia, Fortress Press, 1967.
- Thatcher, Adrian, "Marriage", *The Encyclopedia of Protestantism*, James J. Hillbrand (ed.), London, Routledge, 2005.
- Wand, T.W.C., *A History of the Early Church*, London, Routledge, 1982.
- Wiesner-Hanks, Merry, E., "Sexuality", *The Encyclopedia of Protestantism*, James J. Hillbrand (ed.), London, Routledge, 2009.